**مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی**
**شماره ۱۲، اسفند ۱۳۹۰، صفحات ۳۰ - ۱۷**

# جهانی‌شدن، فقر و نابرابری

سیدعزیز آرمن[۱]
روح‌الله زارع[۲]

**یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های عصر حاضر، جهانی‌شدن و پیامدهای آن از ابعاد مختلف است. این پدیده، فرصت‌ها و چالش‌های بسیاری را فراروی کشورها در سراسر جهان قرار می‌دهد. کشورهای جهان سوم بیش از هر چیز نگران تشدید فقر و ناتوانی خویش در عرصه رقابت بین‌المللی هستند. در این مقاله تلاش شده است با مراجعه به آرای موافقین و مخالفین جهانی‌شدن به بررسی این پدیده و ارتباط آن با مسأله فقر و نابرابری در کشورهای درحال توسعه پرداخته شود. برای این منظور، ابتدا مفهوم جهانی‌شدن و پیشینه تاریخی آن، عوامل تسریع‌کننده آن و دیدگاه‌های موافقان و مخالفان جهانی‌شدن اقتصاد بررسی شده است. سپس ارتباط جهانی‌شدن با مسأله فقر و نابرابری در کشورهای درحال توسعه مورد بررسی قرار گرفته است و در نهایت پیشنهاداتی برای مواجهه هرچه بهتر کشورهای درحال توسعه با پدیده جهانی‌شدن و کاستن از آثار منفی آن ارائه شده است.**

**واژه‌های کلیدی:** جهانی‌شدن، اقتصاد، فقر، نابرابری، کشورهای درحال توسعه، سازمان تجارت جهانی (WTO).

## ۱. مقدمه

جهانی‌شدن پدیده‌ای است که موجب پیدایش تحولات چشمگیری در زمینه‌های اقتصاد، فرهنگ و سیاست شده است. شواهد بیانگر آن است که در هیچ حوزه‌ای به اندازه اقتصاد، پدیده جهانی‌شدن پیشرفت نداشته است. جهانی‌شدن اقتصاد و بازارهای مالی خود ناشی از پیشرفت‌های صورت گرفته در زمینه تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی است.

پدیده جهانی‌شدن فرصت‌ها و چالش‌های بسیاری را فراروی کشورها و حتی افراد عادی در سراسر جهان قرار می‌دهد. برخی صاحبنظران، جهانی‌شدن را تحولی مثبت و زمینه‌ساز فرصت‌هایی می‌دانند که جوامع در صورت بهره‌گیری از آنها می‌توانند وضع خویش را بهبود بخشیده و فاصله اقتصادی خود را با

۱. دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز. saarman2@yahoo.com
۲. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیضا. rz2380@yahoo.com

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08 ]

دیگر کشورها کم کنند و جایگاه جهانی خود را ارتقاء بخشند. ازسوی دیگر، برخی تحلیلگران جهانی‌شدن را عامل تضعیف حاکمیت و اقتصاد ملی کشورها و گسترش سلطه قدرت‌های بزرگ اقتصادی می‌دانند. همچنین، معتقدند جهانی‌شدن باعث تعمیق نابرابری‌ها، گسترش فقر، رواج مصرف‌گرایی، تهدید محیط‌زیست و... شده است.

یکی از چالش‌ها و نگرانی‌های عمده کشورهای درحال توسعه در قبال مسأله جهانی‌شدن تشدید فقر و گسترش نابرابری‌ها می‌باشد. این تحقیق بر آن است تا با بررسی دیدگاه‌های مخالف و موافق و مطالعه واقعیت‌های موجود به بررسی پدیده جهانی‌شدن و ارتباط آن با مسئله فقر درکشورهای درحال توسعه بپردازد و به این سؤال اساسی پاسخ دهد که آیا جهانی‌شدن منجر به تشدید فقر در این کشورها می‌شود؟

## ۲. مفهوم و ابزار جهانی‌شدن و پیشینه تاریخی آن

تاکنون تعریف روشنی از جهانی‌شدن ارائه نشده است، زیرا این پدیده به حد تکاملی خود نرسیده و هر روز وجه تازه‌ای از ابعاد گوناگون آن آشکار می‌شود. جیمز روزه‌نا[1] در این مورد می‌گوید: "به دلیل تنوع و ابعادگوناگون جهانی‌شدن و نیز به این دلیل که مفهوم جهانی‌شدن میان سطوح گوناگون تحلیل مانند اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ایدئولوژی ارتباط برقرار می‌کند هنوز زود است که از این پدیده تعریف کامل ارائه شود (جعفری، ۱۳۸۰)."

مارتین آلبرو[2] جهانی‌شدن را فرایندی می‌داند که براساس آن تمام مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به یکدیگر می‌پیوندند. امانوئل ریشتر[3] جهانی‌شدن را شکل‌گیری شبکه‌ای می‌داند که طی آن اجتماعاتی که پیش از این در کره خاک دور افتاده و منزوی بودند در وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می‌شوند (صداقت، ۱۳۷۹).

کروگمن و بالز[4] جهانی‌شدن را ادغام بیشتر بازارهای جهانی تعریف کرده‌اند. پروفسور کول[5] جهانی‌شدن را الگوی تکامل یابنده‌ای از فعالیت‌های فرامرزی بنگاه‌ها و شرکت‌ها تعریف می‌کند که شامل سرمایه‌گذاری بین‌المللی، تجارت و همکاری برای ابداع و نوآوری و توسعه فراورده‌های تازه و نو، تولید، منبع‌شناسی و بازاریابی است. مک ایوان[6] جهانی‌شدن را گسترش بین‌المللی مناسبات تولیدی و مبادله سرمایه سالارانه می داند. ساتکلیف و گلین[7] جهانی‌شدن را با به هم پیوستگی بیشتر اقتصادها مشخص

1. J. Rozena
2. M. Albro
3. E. Richter
4. Krogman & Balz
5. Kool
6. M. Evan
7. Satklif and Glin

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08 ]

می‌کنند. لئوارد[1] بر این عقیده است که جهانی‌شدن وضعیتی است که رفاه یک مرد یا یک زن عادی تنها به عملکرد دولتشان وابسته نمی‌باشد (سیف، ۱۹۹۷).

صندوق بین‌المللی پول جهانی‌شدن را ادغام وسیع‌تر و عمیق‌تر تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، جهانی‌شدن را رشد وابستگی متقابل اقتصادی کشورها در سراسر جهان از طریق حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات و جریان سرمایه در ماورای مرزها و همچنین از طریق پخش گسترده‌تر و وسیع‌تر تکنولوژی می‌داند (IMF,۱۹۹۳).

لستر تارو[2] در کتاب آینده سرمایه‌داری می‌گوید: اقتصاد جهانی بنا به تعریف اقتصادی است که در آن عوامل تولید، منابع‌طبیعی، سرمایه، دانش فنی، نیروی‌کار و نیز کالاها و خدمات در سراسر جهان جابجا می‌شوند. (لستر تارو، ۱۳۷۶).

با توجه به تعاریف فوق می‌توان جهانی‌شدن را فرایندی در نظر گرفت که در آن مرزهای اقتصادی میان کشورها هر روز کمرنگ‌تر می‌شود و تحرک روز افزون منابع، تکنولوژی، کالا، خدمات و سرمایه و حتی نیروی انسانی در ماورای مرزها سهل‌تر صورت می‌گیرد و در نتیجه به افزایش تولید و مصرف در کشورها می‌انجامد ( بهکیش، ۱۳۸۰).

جهانی‌شدن اقتصاد و بازارهای مالی اگرچه اخیراً مطرح شده است، اما می‌توان گفت که موضوع جدیدی نیست و در واقع ریشه آن به رشد تجارت بین‌الملل در قرن ۱۹ و تولید فراملی در قرن ۲۰ باز می‌گردد. یک گام مهم به سوی جهانی‌شدن اقتصاد، توافقات کنفرانس برتن وودز در سال ۱۹۴۴ بود که دولت‌ها را از اتخاذ سیاست‌های ملی‌گرای اقتصادی منع می‌کرد. گام دیگر، توافق عمومی تعرفه و تجارت[3] بود که تمایل به آزادسازی اقتصاد داشت. انتشار کتاب دهکده جهان مک لوهان در سال ۱۹۶۵، انتشار کتاب موج سوم آلوین تافلر[4] در سال ۱۹۸۷، پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی در سال‌های (۱۹۹۱ – ۱۹۸۹) و تأسیس سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ همگی زمینه را برای جهانی‌شدن فراهم کرد (جعفری، ۱۳۸۰). ابزارهای متعددی در تسریع فرایند جهانی‌شدن اقتصاد نقش داشته‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- رشد بی‌سابقه تجارت جهان

آمارها نشان می دهند که روند تجارت جهانی از دهه ۱۹۵۰ به این سو رو به رشد نهاده است، اما تفاوت این دوره با دوره گذشته این است که رشد تجارت جهانی از رشد تولید جهانی بیشتر بوده است. آمارها نشان

1. Leovard
2. L. Thurow
3. GATT
4. A. Tafler

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08 ]

می‌دهند که تجارت جهانی طی سال‌های (۱۹۹۴ – ۱۹۵۰) حدود ۱۵ برابر شده است، اما حجم تولید جهانی به ۵ برابر رسیده است یعنی در عمل تجارت جهانی در این دوره در مقایسه با تولید جهانی ۳ برابر بیشتر رشد کرده است.

رشد سریع تجارت زمینه های بهره‌گیری از صرفه‌های ناشی از مقیاس، رقابت، بکارگیری تکنولوژی‌های جدید و گسترش همه‌جانبه بخش‌های اقتصادی را پدیده آورده است. بازتر شدن اقتصادهای جهانی به روی تجارت جهانی، واحدهای تولیدی کشورها را به بخشی از شبکه جهانی تولید و تجارت تبدیل کرده است. البته باید توجه داشت که کشورهای پیشرفته سهم عمده تولید و تجارت را در این شبکه به خود اختصاص داده‌اند و کشورهای درحال توسعه غیر از تجارت انرژی و مواد خام در زمینه‌های دیگر نقش حاشیه‌ای دارند (قطمیری، ۱۳۸۲).

- افزایش تحرک سرمایه در سطح بین‌المللی

سیال شدن سرمایه و رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی[1] باعث شکوفاشدن مزیت‌ها در اقصی نقاط دنیا شده و با افزایش وابستگی اقتصادی کشورها، فرایند جهانی‌شدن سرعت گرفته است. از سال ۱۹۴۵ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ رشد جهانی تجارت خارجی بیشتر از رشد رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده است، اما پس از دهه ۱۹۷۰ به ویژه در دهه گذشته رشد آن بسیار تسریع شده و از رشد تجارت پیشی گرفته است (UNCTAD,۱۹۹۶).

- بین‌المللی شدن تولید

در جهان امروز تولید کالاها و حتی اجزای یک کالا در سطح بین‌المللی بر پایه مزیت رقابتی[2] شکل می‌گیرد و بنابراین اجزای مختلف یک کالا در کشورهای مختلف که شرایط بهتری برای تولید آن کالا دارند تولید می‌شود و در نهایت در کشور مادر و یا در کشور ثالثی مونتاژ می‌گردند یعنی از طریق ایجاد کارخانه جهانی ادغام تولید میسر می‌شود. در بین‌المللی شدن تولید نقش شرکت‌های چند ملیتی کلیدی است. این شرکت‌ها با هدف دستیابی به منابع مورد نیاز و عوامل ارزان‌قیمت تولید از جمله نیروی کار یا سرمایه و به‌منظور به حداکثر رساندن سود و برخورداری از مزیت رقابتی به سوی بازارهای خارجی حرکت کرده و در سایر کشورها سرمایه‌گذاری می‌کنند. نتیجه این امر، افزایش همبستگی اقتصادی کشورها و سرعت بخشیدن به فرایند جهانی‌شدن بوده است (بهکیش، ۱۳۸۰).

1. Foreign Direct Investment (FDJ)
2. Competitive Advantage

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08 ]

- تحولات تکنولوژیک

تحولات تکنولوژیک از دو جهت باعث تسریع روند جهانی‌شدن گردیده است. نخست، کاهش هزینه‌های حمل و نقل به دلیل پیشرفت فیزیکی در تکنولوژی ارتباطات و دوم، تحول قابل‌ملاحظه در امکانات مخابراتی و کامپیوتر که در عالی‌ترین شکل خود منجر به ایجاد شبکه اینترنت شده است. این تحولات با کاهش چشمگیر هزینه ارتباطات، مبادله خدمات و اطلاعات را افزون‌بر مبادله کالاها امکانپذیر نموده است (گابل، ۱۹۹۵).

- مهاجرت

بعد دیگر جهانی‌شدن اقتصاد، افزایش مهاجرت‌ها در صحنه بین‌المللی است. گرچه مهاجرت پدیده تازه‌ای نیست، اما در طول دو دهه گذشته آهنگ سریع‌تری یافته است. هر سال حدود ۲ تا ۳ میلیون‌نفر به ۶۷ کشور جهان مهاجرت می‌کنند و اکنون حدود ۱۲۰ میلیون نفر در کشوری غیرزادگاه خود زندگی می‌کنند. البته این رقم نیز سالانه حدود ۲ درصد افزایش می‌یابد (اسپنشاد، ۲۰۰۰).

تفاوت قابل ملاحظه نرخ رشد جمعیت بین کشورهای درحال توسعه، افزایش متوسط سن در کشورهای پیشرفته و کاهش جمعیت فعال به افزایش روند مهاجرت کمک خواهد کرد. انتظار می‌رود مهاجرت گذشته از سودمندی برای کشورهای پیشرفته از چند جهت برای کشورهای درحال توسعه نیز منافعی داشته باشد. نخست، مهاجرت منبع انتقال درآمد به این کشورها است. دوم، با مهاجرت فرصت مناسبی برای کسب مهارت و تجربه در کشورهای پیشرفته فراهم می‌شود (قطمیری، ۱۳۸۲).

- شرکت‌های چند ملیتی

آمارها نشان می‌دهند که تعداد شرکت‌های چند ملیتی در ۱۴ کشور ثروتمند جهان از ۷۰۰۰شرکت در سال ۱۹۶۹ به ۲۴۰۰۰ شرکت در سال ۱۹۹۴ و پس از آن به ۳۷۰۰۰ شرکت در سال ۱۹۹۷ رسیده است. برآوردها همچنین حاکی ازآن است که این شرکت‌ها $\frac{۱}{۳}$ دارایی‌های بخش خصوصی و $\frac{۱}{۴}$ تولیدات جهانی را در اختیار دارند (دونینگ، ۱۹۹۵). بر این اساس، انتظار می‌رود که این شرکت‌ها عامل مهمی در انتقال مهارت‌های مدیریتی، سرمایه، تکنولوژی و کالاها و مواد اولیه در سطح بین‌المللی باشند و از این راه به جهانی‌شدن اقتصاد کمک کنند.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08 ]

- کاهش موانع تجارت

سازمان های بین‌المللی مانند گات و سازمان تجارت جهانی در جهت گسترش تجارت بین‌المللی از طریق حذف موانع وارداتی غیرتعرفه‌ای و کاهش تعرفه گمرکی میان کشورهای عضو نقش عمده‌ای در گسترش جهانی‌شدن اقتصاد داشته‌اند.

- فروپاشی شوروی

با فروپاشی شوروی انرژی عظیمی که در غرب برای مقابله با سوسیالیسم بسیج شده بود رها شد و به موتور تحولات اخیر تبدیل گردید. بسیاری از فناوری‌ها و سرمایه‌هایی که در اختیار بخش نظامی بود به نفع تولیدات تجاری آزاد شدند. از سوی دیگر، فروپاشی شوروی منجر به یک قطبی‌شدن نظام اقتصاد جهان یعنی گسترش اقتصاد بازار شد و یکپارچگی بازارها را به دنبال آورد.

در مجموع باید گفت که درباره جهانی‌شدن دیدگاه‌های متضادی وجود دارد. موافقان جهانی‌شدن معتقدند که یکپارچگی اقتصادی سبب تقویت جریان کالا و خدمات و نیز عوامل تولید می‌شود، لذا ارتقاء رشد اقتصادی و رفاه عمومی را در پی دارد. جهانی‌شدن به تقسیم کار منجر می‌شود و به کشورهای درحال توسعه که نیروی کار فراوان دارند، امکان می‌دهد که در تولید کالاهای کاربر مشارکت کنند. همچنین، جهانی‌شدن سبب می‌شود که سرمایه با توجه به فرصت‌های سرمایه‌گذاری تولیدی جریان یابد (جعفری، ۱۳۸۰). جهانی‌شدن باعث انتقال تکنولوژی در ماورای مرزهای ملی خواهد شد. همچنین، با ایجاد فضای رقابتی تلاش‌ها جهت خلق تکنولوژی جدید برای بالابردن قدرت رقابت‌پذیری افزایش خواهد یافت. در سطح اقتصاد خرد جهانی‌شدن منجر به قانونمند شدن فعالیت‌های تولیدی بر مبنای نظام بازار می‌شود و اعمال سیاست‌های حمایتی از فرایند تولید را محدود می‌سازد. همچنین، میزان حمایت مستقیم از اقشار آسیب‌پذیر جامعه را نیز کاهش خواهد داد، زیرا یارانه‌ها کاهش می‌یابند اما در مقابل به دلیل رشد بالاتر اقتصادی، اشتغال و رفاه افزایش می‌یابد (بهکیش، ۱۳۸۰).

درمقابل، مخالفان جهانی‌شدن معتقدند که جهانی‌شدن وسیله‌ای برای ارضای امیال امپریالیستی دولت قدرتمند به ویژه آمریکاست. در واقع، این اشخاص معتقدند که امپریالیسم آمریکایی و اروپایی در قالب جهانی‌شدن درصدد نفوذ بیشتر بر کشورهای درحال توسعه هستند (پتراس، ۲۰۰۰).

جهانی‌شدن سبب می‌شود که کشورهای درحال توسعه از اصلاحات ساختاری اقتصادی مورد نظر مؤسسات بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی پیروی کنند. این امر از یک سو سیاست‌های توسعه ملی این کشورها را با مشکل مواجه می‌سازد و از اثربخشی خط مشی‌های اقتصاد ملی می‌کاهد و از سوی دیگر، سبب گسترش بیکاری، فقر، پایین‌آمدن دستمزدها، تخریب محیط‌زیست،

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08 ]

گرم‌شدن کره‌زمین و... می‌شود. از سوی دیگر، جهانی‌شدن به نفع کشورهای توسعه‌یافته و به زیان کشورهای درحال توسعه است. جهانی‌شدن باعث افزایش اهمیت بخش خدمات و نیروی‌کار متخصص و کاهش اهمیت مواد اولیه و نیروی کار غیرمتخصص می‌شود. از این رو، کشورهای درحال توسعه که صادرکنندگان اصلی مواد اولیه و نیروی‌کار غیرمتخصص هستند در شرایط دشواری قرار می‌گیرند (جعفری، ۱۳۸۰).

## ۳. جهانی‌شدن و نگرانی فقر

جهانی‌شدن با ابعاد فعلی و وسعت و سرعتی که هم‌اکنون جامعه بشری و تمام جنبه‌های زندگی انسان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، علاوه بر چشم‌اندازهای امیدوارکننده‌ای که روبروی جهانیان قرار می‌دهد، نگرانی‌ها و دغدغه‌های عمده‌ای را نیز به بار می‌آورد. در این میان، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های کشورهای درحال توسعه از فرایند جهانی‌شدن مسأله فقر و نابرابری می‌باشد. نگرانی کشورهای درحال توسعه از این پدیده ترس از حاشیه‌نشینی تبعیض، ناامنی اقتصادی، بی‌ثباتی و تشدید نابرابری‌ها است. به عبارت دیگر، این گروه از کشورهای جهان در شرایط جدیدی که جهانی‌شدن اقتصاد پدید می‌آورد. یعنی همان افزایش رقابت و گسترش تقسیم کار بین‌المللی سهمی برای خود نمی‌بینند، چرا که ضعیف هستند و قدرت لازم برای رویارویی با رقیبان قدرتمند را در خود نمی‌بینند. ضمن اینکه کشورهای درحال توسعه کشورهای پیشرفته را متهم به مذاکرات پشت‌پرده و تبانی با هم می‌کنند و به آن اعتراض دارند. مصداق بارز این اعتراضات در اجلاس سیاتل سازمان تجارت جهانی مشاهده شد (نورانی، ۱۳۷۹).

به همین دلیل کشورهای فقیر و درحال توسعه در پذیرش شرایط ومناسبات جهانی‌شدن، آزادسازی تجارت و ادغام در اقتصاد جهانی نگرانی‌های عمده‌ای در جهت تعمیق فاصله و شکاف بین خویش و کشورهای توسعه‌یافته و تشدید فقر در جوامع خود احساس می‌کنند.

مروری بر منابع و مطالعات انجام شده در زمینه فقر حاکی از آن است که تعاریف و مفاهیم متعددی از فقر از ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... وجود دارد که دستیابی به مفهومی واحد از فقر را مشکل می‌سازد. متداول‌ترین تعریف فقر تعریف اقتصادی آن است. اغلب منابع در تعریف اقتصادی فقر اتفاق‌نظر دارند و آن را ناتوانی در برآورده ساختن حداقل نیازهای انسان تعریف نموده‌اند، اما بلافاصله این سؤال مطرح می‌شود که حداقل نیازهای یک انسان چیست و شامل چه مواردی می‌شود؟ آیا منظور از حداقل نیاز غذا یا پوشاک و مسکن است یا اینکه نیازهای اجتماعی و فرهنگی فرد را نیز در بر می‌گیرد؟ اینجاست که مفهوم فقر مطلق و فقر نسبی مطرح می‌شود.

فقر مطلق زمانی رخ می‌دهد که افراد یا خانواده‌ها از تأمین حداقل نیازهای ضروری برای ادامه حیات باز مانند و تداوم زندگی یعنی گذشتن از امروز به فردا را مشکل و غیرممکن یابند و این بدان معناست که

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08 ]

نیازهای اساسی مانند غذا، پوشاک و سرپناه ارضا نگردد، اما فقر نسبی فاصله‌ای چه کم چه زیاد از ملاک‌های تعیین‌شده را نشان می‌دهد. هرچه چنین فاصله‌ای زیادتر شود فقر نسبی به فقر مطلق نزدیکتر می‌شود (پیران، ۱۳۷۵).

برنامه توسعه سازمان ملل متحد[1] در گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۷ که با تأکید بر مسأله فقر تهیه شده است فقر را پدیده‌ای چند بعدی می‌شناسند و معتقد است فقر چهره‌های متعددی دارد و چیزی بیش از درآمد اندک می‌باشد. فقر در قالب وضعیت بهداشتی و آموزشی نامناسب، محرومیت از دانش و ارتباطات، ناتوانی در به دست آوردن حقوق انسانی و سیاسی و نداشتن احترام و اعتماد به نفس جلوه می‌کند. علاوه بر این، تخریب زیست محیطی و ناتوانی ملی هر جا که افراد در فقر زندگی می‌کنند مشاهده می‌شود. در پشت این چهره‌های فقر واقعیت خشن زندگی یأس‌آور، بدون امکان انتخاب و دولت‌هایی که فاقد ظرفیت پاسخگویی به این وضعیت هستند قرار دارند.

به همان اندازه که تعاریف و دیدگاه‌های موجود در مورد جهانی‌شدن از تنوع بالایی برخوردار است و در اغلب موارد محقق را دچار سردرگمی و ابهام می‌کند، دیدگاه‌هایی که در خصوص تأثیر جهانی‌شدن بر فقر و نابرابری کشورهای جهان سوم ابراز گردیده است نیز از تنوع و تعدد بسیاری حکایت دارد.

### ۳-۱. دیدگاه‌هایی در خصوص تأثیر جهانی‌شدن بر کاهش فقر و نابرابری

برخی صاحبنظران تأثیر جهانی‌شدن را برای رفاه اقتصادی اکثریت مردم جهان که فقرا را نیز در بر می‌گیرد، مثبت می‌دانند. در واقع، ایجاد رفاه اقتصادی برای اکثریت مردم جهان پیش‌شرط تحقق جهانی‌شدن است. از طرفی آنها معتقدند که عامل فقر و عقب‌ماندگی بسیاری ازکشورهای درحال توسعه بیش از آنکه متأثر عامل خارجی یا جهانی‌شدن باشد ناشی از عملکرد دولت‌ها و نظام اداری سیاسی آنهاست که در بسیاری از موارد دچار فساد و سوء مدیریت هستند ( شاهنده، ۱۳۸۲).

طرفداران جهانی‌شدن اقتصاد می‌گویند: جهانی‌شدن وابستگی متقابل اقتصادها به یکدیگر است و در این وابستگی متقابل، کشورهای ثروتمند و پیشرفته حداقل برای اینکه خود پیشرفت بهتری داشته باشند تمایلی به عقب نگه‌داشتن کامل کشورهای فقیر و درحال توسعه ندارند. ضمناً چنین نیست که این کشورها تا به حال نیز امتیازی به کشورهای درحال توسعه نداده باشند. به عنوان مثال، در این زمینه می‌توان به ترتیباتی در سازمان تجارت جهانی اشاره کرد که مطابق آن کشورهای توسعه‌یافته برای برخی کالاهای صادراتی کشورهای درحال توسعه تخفیفات تعرفه‌ای در نظر می‌گیرند. بر این اساس، می‌توان این نظریه جیمز گراف[2] را پذیرفت که می‌گوید: جهانی‌سازی چهره‌ای انسانی نیز دارد. بنابراین به نظر می‌رسد نباید جهانی‌شدن را

1. United Nations Development Program (UNDP)
2. G. Graff

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08 ]

برای کشورهای درحال توسعه بدمطلق دانست، بلکه آنچه برای این دسته از کشورها می‌تواند خطرناک‌تر از خود پدیده جهانی‌شدن باشد، نحوه برخورد آنها با این موضوع و چگونگی عکس‌العمل آنها می‌باشد. بیمال قوش[1] می‌گوید: مشکلات کنونی ما به جهانی‌شدن مربوط نیست بلکه به چگونگی کنترل آن ارتباط دارد ( نورانی، ۱۳۷۹).

طرفداران جهانی‌شدن معتقدند که ادغام هرچه بیشتر اقتصادی موجب تقویت جریان کالا و خدمات و نیز عوامل تولید می‌شود و از این رو موجب ارتقاء رشد اقتصادی و رفاه تمام افراد خواهد شد. این باور وجود دارد که جهانی‌شدن به تقسیم کار بهتر منجر خواهد شد و به کشورهای درحال توسعه که دارای نیروی کار فراوان هستند اجازه خواهد داد تا در تولید کالاهای کاربر تخصص یابند و کارگران کشورهای توسعه‌یافته می‌توانند با بهره‌وری بیشتری کارها را به انجام برسانند (کومسا، ۱۳۸۱).

آمارهای منتشرشده توسط بانک‌جهانی نشان می‌دهند که تعداد افراد با درآمد کمتر از ۱/۲۵ دلار در روز (بر اساس برابری قدرت خرید) از سال ۱۹۸۰ به بعد کاهش قابل ملاحظه‌ای یافته است. به طوری‌که تعداد این افراد از ۱/۹ میلیارد نفر در سال ۱۹۸۱ به ۱/۸ میلیارد نفر در سال ۱۹۹۰ و به حدود ۱/۴ میلیارد نفر در سال ۲۰۰۵ رسیده است. بیشترین میزان کاهش فقر در آسیای‌شرقی به ویژه در کشور چین صورت گرفته است، به طوری‌که در آسیای‌شرقی تعداد افراد با درآمد کمتر از ۱/۲۵ دلار در روز از ۱۰۷۱ میلیون نفر در سال ۱۹۸۸ به ۳۱۶ میلیون نفر در سال ۲۰۰۵ رسیده است. بیشترین میزان این کاهش در کشور چین رخ داده است، به طوری‌که تعداد این افراد از ۸۳۵ میلیون نفر در سال ۱۹۸۱ به ۲۰۸ میلیون نفر در سال ۲۰۰۵ رسیده است که به معنای ۶۲۷ میلیون نفر فقیر کمتر است.

**جدول۱. تعداد افراد با درآمد کمتر از ۱/۲۵ دلار در روز (بر اساس برابری قدرت خرید )**

( میلیون نفر)

| ناحیه / سال | ۱۹۸۱ | ۱۹۸٤ | ۱۹۸۷ | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۳ | ۱۹۹٦ | ۱۹۹۹ | ۲۰۰۲ | ۲۰۰۵ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| آسیای شرق و پاسیفیک | ۱۰۷۱ | ۹۴۷ | ۸۲۲ | ۸۷۳ | ۸۴۵ | ۶۲۲ | ۶۳۵ | ۵۰۷ | ۳۱۶ |
| چین | ۸۳۵ | ۷۲۰ | ۵۸۶ | ۶۸۳ | ۶۳۳ | ۴۴۳ | ۴۴۷ | ۳۶۳ | ۲۰۸ |
| اروپا و آسیای مرکزی | ۷ | ۶ | ۵ | ۹ | ۲۰ | ۲۲ | ۲۴ | ۲۲ | ۱۷ |
| آمریای لاتین و حوزه کارائیب | ۴۷ | ۵۹ | ۵۷ | ۵۰ | ۴۴۷ | ۵۳ | ۵۵ | ۵۷ | ۴۵ |
| آسیای میانه و آفریقای شمالی | ۱۴ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۰ | ۱۱ |
| آسیای جنوبی | ۵۴۸ | ۵۴۸ | ۵۶۹ | ۵۷۹ | ۵۵۹ | ۵۹۴ | ۵۸۹ | ۶۱۶ | ۵۹۶ |
| هند | ۴۲۰ | ۴۱۶ | ۴۲۸ | ۴۳۵ | ۴۴۴ | ۴۴۲ | ۴۴۷ | ۴۶۰ | ۴۵۶ |
| جنوب آفریقا | ۲۱۲ | ۲۴۲ | ۲۵۸ | ۲۹۸ | ۳۱۷ | ۳۵۶ | ۳۸۳ | ۳۹۰ | ۳۸۸ |
| کل جهان | ۱۹۰۰ | ۱۸۱۴ | ۱۷۲۳ | ۱۸۱۸ | ۱۷۹۹ | ۱۶۵۸ | ۱۶۹۸ | ۱۶۰۱ | ۱۳۷۴ |

مأخذ: بانک جهانی، گزارش توسعه جهانی (۲۰۰۸).

1. B. Ghosh

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08 ]

### ۳-۲. دیدگاه‌هایی در خصوص تأثیر جهانی‌شدن بر گسترش فقر و نابرابری

برخی معتقدند جهانی‌شدن به سود کشورهای ثروتمند و به زیان کشورهای فقیر است. در پایان قرن بیستم ۵ میلیارد نفر از جمعیت ۶ میلیاردی جهان در کشورهای فقیر و کم درآمد به سر خواهند برد. در حالی‌که ممالک ثروتمند با داشتن حدود ۱۵ درصد از کل جمعیت دنیا کنترل نزدیک به ۸۰ درصد درآمد جهان را در اختیار دارند و کل کشورهای با درآمد کم که قریب به ۶۰ درصد از کل جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند تنها ۳/۶ درصد از کل درآمد جهان را دریافت می‌کنند. کل کشورهای با درآمد کم و متوسط که قریب به ۸۵ درصد جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند نزدیک به ۲۰ درصد از درآمد جهان نسیبشان می‌شود (چاوسودویسکی، ۱۳۸۶).

**جدول۲. توزیع درآمدها و جمعیت دنیا در سال ۱۹۹۸**

| طبقه بندی کشورها | جمعیت (میلیون) | درصد سهم از جمعیت کل جهان | درآمد سرانه (دلار آمریکا) | کل درآمد (میلیارد دلار) | درصد سهم از درآمد کل جهان |
|---|---|---|---|---|---|
| کشورهای کم درآمد | ۳۵۱۵ | ۵۹/۶ | ۵۲۰ | ۱۸۲۸ | ۶/۳ |
| کشورهای میان درآمد | ۱۴۹۶ | ۲۵/۴ | ۲۹۵۰ | ۴۴۱۳ | ۱۵/۳ |
| کشورهای فقیر | ۵۰۱۱ | ۸۵ | ۱۲۵۰ | ۶۲۶۴ | ۲۱/۷ |
| کشورهای صحرای آفریقا | ۶۲۸ | ۱۰/۶ | ۴۸۰ | ۳۰۱ | ۱ |
| کشورهای جنوب آسیا | ۱۳۰۵ | ۲۲/۱ | ۴۳۰ | ۵۶۱ | ۱/۹ |
| کشور چین | ۱۲۳۹ | ۲۱ | ۷۵۰ | ۹۲۹ | ۳/۳ |
| کشور شوروی سابق و اروپای شرقی | ۳۹۵ | ۶/۷ | ۱۹۶۵ | ۷۷۶ | ۲/۷ |
| جمع کل دنیای سوم | ۴۶۱۶ | ۷۸/۳ | ۱۱۸۰ | ۵۴۴۷ | ۱۸/۹ |
| جمع کل کشورهای ثروتمند | ۸۸۵ | ۱۵ | ۲۵۵۱۰ | ۲۲۵۷۶ | ۷۸/۳ |
| OECD | ۹۳۲ | ۱۵/۸ | ۲۰۸۵۳ | ۱۹۴۳۵ | ۶۷/۴ |
| جمع جهانی | ۵۸۹۷ | ۱۰۰ | ۴۸۹۰ | ۲۸۸۳۶ | ۱۰۰ |

مأخذ: بانک جهانی، گزارش توسعه جهانی (۲۰۰۰- ۱۹۹۹)، واشنگتن دی –سی.

ولفسن[1] مدیرعامل بانک جهانی در توصیف فقر و نابرابری در جهان کنونی می‌گوید: ما هنوز در دنیایی زندگی می‌کنیم که درآمد روزانه ۱/۲ میلیارد نفر از مردم کمتر از یک دلار بوده و ۸۰ درصد مردم ۲۰ درصد درآمد جهانی و ۲۰ درصد مردم ۸۰ درصد مجموع درآمدها را در اختیار دارند (عباس، ۱۳۸۱).

مری رابینسون[2] کمیسر حقوق بشر سازمان ملل متحد می‌گوید: ما هر روزه شاهد شکاف بیشتر بین مردمان جهان هستیم که در نتیجه آن میلیون‌ها نفر در فقر مفرط و نزاع مستمر زندگی می‌کنند. افزایش محرومیت از طرفی افزایش آگاهی‌های ناشی از جهانی‌شدن ضرورتی را ایجاب می‌کند که جهانی‌شدن به عنوان یک فرایند اقتصادی مشمول ملاحظات معنوی و اخلاقی شود و به استانداردها و اصول حقوقی

1. Volfsen
2. M. Robinson

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08 ]

بین‌المللی احترام گذارد (رابینسون، ۱۳۸۰). "ماری فرانس‌بو معتقد است: جهانی‌شدن اقتصاد به سود داراترین کشورها و به ضرر ندارترین کشورها تمام شده است. بنابر آمارهای برنامه توسعه سازمان ملل‌متحد بین سال‌های (۱۹۹۰- ۱۹۶۰) ندارترین کشورها که ۲۰ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند شاهد کاهش سهم خود در مبادله‌های تجاری از ۴ درصد به کمتر از یک درصد بوده‌اند ( فرانس‌بو، ۱۳۷۵).

بسیاری از کشورهای درحال توسعه با استفاده از سیاست‌های برون‌نگر نه تنها موفق به کسب نتایج مطلوب نشدند، بلکه به حاشیه اقتصاد جهانی رانده شدند. در این میان، می‌توان به کشورهای آفریقایی و برخی از کشورهای آمریکای لاتین اشاره کرد. مطالعات صندوق بین‌المللی پول نشان داده است که افزایش تضاد بین ثروت و فقر (دوقطبی شدن) و افزایش ادغام در اقتصاد جهانی به صورت همزمان اتفاق افتاده است. همچنین، این گزارش حاکی از افزایش فقر نسبی به جای فقر مطلق است. البته باید توجه داشت برخی کشورها با بهره‌گیری مناسب از امکانات فراهم شده، موفق شدند به نرخ‌های رشد اقتصادی بالاتری دست یابند و درحال حاضر در زمره کشورهای تازه صنعتی شده قرار گرفته‌اند. بهترین نمونه این کشورها، ببرهای آسیای جنوب‌شرقی (کره‌جنوبی، تایوان، هنگ‌کنگ و سنگاپور) می‌باشند که علیرغم مشکلات اخیر بازارهای مالی (بحران سال ۱۹۹۷) در ردیف کشورهای پردرآمد قرارگرفته‌اند (۱۹۹۷، IMF).

براساس گزارش‌های برنامه توسعه سازمان ملل طی سال‌های (۱۹۸۰-۱۹۵۶) درآمد سرانه ۲۰۰ میلیون نفر در جهان کاهش یافته است، درحالی که طی سال‌های (۱۹۹۳-۱۹۸۰) درآمد یک میلیارد نفر کاهش یافته است. همچنین در ۷۰ کشور درحال توسعه متوسط درآمد سرانه کمتر از آن است که در دهه ۱۹۸۰ بود (کاستلز، ۱۹۹۸).

کوربین[1] معتقد است که در تجربه سه دهه گذشته به طور همزمان شاهد افزایش شدید جهانی‌شدن، دو قطبی‌شدن در ادغام اقتصادی وتوزیع نامناسب و رو به افزایش ثروت و درآمد بوده‌ایم. به هرحال، بحران فقر و تنگدستی شدید یکی از واقعیت‌های فراروی جهان به ویژه درحال توسعه است و شواهد آماری گویای آن است که پیشرفت‌های جامعه جهانی در مبارزه با این معضل بسیار ناچیز بوده است (۲۰۰۲، UNDP).

به اعتقاد مخالفین جهانی‌شدن اقتصاد آنچه جهانی‌شده توسعه اقتصادی نیست بلکه فقر است. احترام به حاکمیت ملی کشورهای درحال توسعه نیست، بلکه نقض آن است. تقویت همبستگی میان مردم جهان نیست بلکه تحکیم قانون اعمال زور و تقویت رقابت نابرابر موجود در عرصه بازار است. جهانی‌شدن اقتصاد به مفهوم افزایش فقر، بحران‌های مالی بین‌المللی، شکاف بین شمال ثروتمند و جنوب محروم است. فیدل‌کاسترو رئیس‌جمهوری سابق کوبا در سخنرانی خود در اجلاس جنوب محروم (گروه ۷۷) در خصوص تأثیرات منفی جهانی‌شدن اقتصاد گفته است: جهانی‌شدن واقعیتی عینی است و بر این حقیقت

1. Korbin

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08 ]

تأکید دارد که همه ما سرنشینان یک کشتی واحد هستیم و این کشتی همان سیاره‌ای است که همگی ما روی آن زندگی می‌کنیم. لکن سرنشینان این کشتی تحت شرایط بسیار متفاوتی سفر می‌کنند. اقلیت بسیار کوچکی در کابین‌های لوکس و مجهز به تلفن‌های همراه و اینترنت و شبکه‌های ارتباط جهانی سفر می‌کنند. این اقلیت از یک برنامه غذایی غنی، متنوع، فراوان ومتعادل به همراه آب فراوان و تمیز استفاده می‌کنند، به وسایل پزشکی پیچیده دسترسی دارند و از امکانات فرهنگی برخوردار می‌باشند. در مقابل، اکثریت عظیمی نیز در شرایطی سفر می‌کنند که یادآور تجارت هولناک بردگان بین آفریقا و آمریکا در تاریخ گذشته مستعمراتی ماست. این پدیده به این معنا است ۸۵ درصد سرنشینان این کشتی که با فشار در انبار کثیف جای داده شده‌اند از گرسنگی، امراض مختلف و درماندگی رنج می‌برند (جعفری، ۱۳۸۰).

## ٤. نتیجه‌گیری

در این مقاله دیدگاه‌های مختلف در خصوص تأثیر جهانی‌شدن بر مسأله فقر و نابرابری مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور، ابتدا پدیده جهانی‌شدن معرفی و سپس عوامل گسترش آن در سال‌های اخیر و همچنین دیدگاه‌های مخالفان و موافقان پدیده جهانی‌شدن مورد بررسی قرار گرفت. مطالعات و شواهد موجود حاکی از آن است که فرایند جهانی‌شدن اقتصاد چندان جدید نیست و پس از جنگ‌جهانی دوم با رشد تجارت جهانی، افزایش تحرک سرمایه در سطح بین‌المللی، بین‌المللی شدن تولید، گسترش مهاجرت نیروی انسانی، تحولات تکنولوژیک، کاهش موانع تجاری و... با سرعت بیشتری در سطح بین‌المللی گسترش می‌یابد.

در خصوص جهانی‌شدن دیدگاه‌های متضادی وجود دارد. برخی معتقدند که جهانی‌شدن ارتقاء رشد اقتصادی و رفاه عمومی را به دنبال دارد. درمقابل، عده‌ای معتقدند که جهانی‌شدن وسیله‌ای برای نفوذ بیشتر امپریالیسم آمریکایی و اروپایی بر کشورهای درحال توسعه می‌باشد و سبب گسترش بیکاری، فقر، پایین آمدن دستمزدها، تخریب محیط‌زیست و... شده است.

یکی از نگرانی‌های عمده کشورهای درحال‌توسعه از فرایند جهانی‌شدن مسئله فقر و نابرابری می‌باشد. دیدگاه‌های مختلفی در خصوص تأثیر جهانی‌شدن بر فقر و نابرابری کشورهای جهان سوم ابراز گردیده است. برخی صاحبنظران تأثیر جهانی‌شدن را برای رفاه اقتصادی اکثریت مردم جهان که فقرا را نیز در بر می‌گیرد، مثبت می‌دانند و معتقدند که فقر و عقب‌ماندگی بسیاری از کشورهای درحال توسعه بیش از آنکه متأثر از جهانی‌شدن باشد نتیجه سیاست‌های داخلی، فساد و سوء مدیریت آنها می‌باشد. این گروه معتقدند که جهانی‌شدن موجب تقویت جریان کالا و خدمات و نیز عوامل تولید می‌شود و از این رو موجب ارتقاء رشد اقتصادی و رفاه تمام افراد خواهد شد. در مقابل برخی صاحبنظران با تکیه بر آمار و ارقام، جهانی‌شدن را به

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08 ]

سود کشورهای ثروتمند و به زیان کشورهای فقیر می‌دانند و معتقدند جهانی‌شدن به مفهوم افزایش فقر، توزیع نامناسب درآمد، بحران‌های مالی بین‌المللی و شکاف بین کشورهای فقیر و غنی می‌باشد.

شاید بتوان بین این دو دیدگاه، دیدگاه سومی را نیز در نظر گرفت. بر اساس این دیدگاه، کشورهای درحال توسعه از جهانی‌شدن هم زیان می‌بینند و هم در مواردی سود می‌برند، زیرا جوهره اصلی پدیده جهانی‌شدن وابستگی متقابل اقتصادها به یکدیگر است و لذا کشورهای توسعه‌یافته برای اینکه پیشرفت بهتری داشته باشند تمایلی به عقب نگهداشتن کشورهای درحال توسعه و فقیر ندارند. به همین دلیل این کشورها تاکنون امتیازاتی را نیز به کشورهای درحال توسعه داده‌اند. از طرفی نمونه‌های موفق ببرهای آسیای جنوب‌شرقی را نیز نباید فراموش کرد که با توسل به فرایند جهانی‌شدن هم اکنون در زمره کشورهای پردرآمد قرار گرفته‌اند.

در هرحال، کشورهای درحال توسعه چه بخواهند و چه نخواهند جهانی‌شدن اتفاق خواهد افتاد، لذا مسأله‌ای که برای این کشورها اهمیت دارد نحوه برخورد با جهانی‌شدن است. کشورهای درحال توسعه باید هماهنگ با جهانی‌شدن پیش روند و با دقت مشخص کنند که چگونه می‌توانند از جهانی‌شدن استفاده کنند و از آثار منفی آن دور بمانند و یا آن را کاهش دهند.

## منابع


بهکیش، محمد مهدی (۱۳۸۰)، *اقتصاد ایران در بستر جهانی‌شدن*، تهران: نشر نی.

پیران، پرویز (۱۳۷۵)، "نگاهی به مفهوم فقر و فقرزدایی"، *اطلاعات سیاسی – اقتصادی*، شماره‌های ۱۲-۱۱.

تارو، لستر (۱۳۷۶)، *آینده سرمایه داری*، ترجمه عزیز کیاوند، مؤسسه انتشارات آگاه.

جعفری، اصغر (۱۳۸۰)، "جهانی‌شدن اقتصاد و جایگاه ایران"، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۲۰، صص ۱۵۷-۱۳۹.

چاوسودویسکی، مایکل (۱۳۸۶)، *جهانی‌شدن فقر و نظم نوین جهانی*، ترجمه خسروشاهی و موسوی، تهران: نشر ثالث.

رابینسون، مری (۱۳۸۰)، "حقوق بشر و اخلاقی کردن جهانی‌شدن"، *روزنامه همشهری*، ۱۸ بهمن.

شاهنده، بهزاد (۱۳۸۲)، "جهانی‌شدن، گسترش فقر یا فقرزدایی؟"، *روزنامه ایران* ۱۳۸۲/۱/۲۴، ص ۱۳.

صداقت، پرویز (۱۳۷۹)، "سرشت جهانی‌شدن و زمینه‌های آن"، *مجله بورس*، ص ۱۱.

عباس، ج.علی (۱۳۸۱) *دلهره جهانی، نظامی گری یا انسجام در اقتصاد جهانی؟*، ترجمه میراحمد امیرشاهی، روزنامه همشهری، ۴ شهریور، ص ۱۱.

فرانس بو، ماری (۱۳۷۵)، "جهانی‌شدن بازار"، *مجله پیام یونسکو*، شماره ۳۱۸.

قطمیری، محمدعلی (۱۳۸۲)، "جهانی‌شدن اقتصاد: عوامل، اثرات، واکنش‌های بین‌المللی و راه‌حل‌ها"، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره‌های ۱۹۴-۱۹۳، صص ۱۵۹-۱۵۴.


[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08 ]

کومسا، آسفا (۱۳۸۱)، *جهانی‌شدن، منطقه‌گرایی و تأثیر آن بر کشورهای درحال توسعه*، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، *نشریه مدیرساز*، شماره ۵.

نورانی، سیدمحمدرضا (۱۳۷۹)، "جهانی‌شدن کشورهای در حال توسعه و ایران"، *اطلاعات سیاسی- اقتصادی*، شماره‌های ۱۵۶-۱۵۵، صص ۱۶۳- ۱۵۸.

Castells, M. (1998), "The End of the Millennium, the Information Age", *Economy, Society and Culture*, Vol. 3.

Dunning, J. H. (1995), "What is Wrong and Right with Trade Theory", *International Trade Journal*.

Espenshade, T. J. (2000), "Heaven's Door", *Population and Development Review*, Vol. 26, No 1.

Gable, V. (1995), "The Diminished Nation State", *Daedalus*, Vol. 124, PP. 23-45.

IMF (1997), "World Economic Outlook", May, Washington.

Korbin, S. J. (1999), "The Architecture of Globalization", Government, Globalization and International Business, Oxford University Press.

Petras, J. (2000), "China in the Context of Globalization", *Journal of Contemporary Asia*, Vol. 35, No. 1.

Seyf, A. (1997), "Globalization and the Crisis in the International Economy", *Global Society*, Vol. 11, No. 3.

UNCTAD (1996), "Investment, Trade and International Policy Arrangements", World Investment Report, New York and Geneva.

UNDP (1997), "Human Development Report", Oxford University Press.

UNDP (2002), "Human Development Report", Oxford University Press.

World Bank (2008), Poverty Data, a Supplement to World Development Indicators.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-08 ]